

# باز هم چرند

در واپسین سال های سده ی پار و نخستین سالهای سده ی روان ، در حالیکه جهان جولانگاه و فرمان بر، یگانه ابر قدرت ( ایلات متحده ی امریکا ) شده است و باید این یگانه فرمانروا در کنش های خود ، فرزانه ، داد گر ، دور بین ، مدبر و ... میبود ولی سوگمندانکه که در همین بزنگاه پر اهمیت برای جهان و جهانیان ، در راس قدرت آن یگانه ابر قدرت ، یک لومین سیاسی که نه تنها از حالت و شرایط دنیا بی خبر بود ، بلکه از کشور های همجوار و کشور خود آنطور که باید و شاید آگاه نبود ، قرار گرفت . آری جورج دبلیوبوش ، این کم سواد ترین و الکهول نوش ترین رییس جمهور در تاریخ ایالات متحده داخل کاخ سفید شده و زمام امور آن کشور چه که دنیا را بدست گرفت .

هشت سال پیش از نازل شدن این تکساسی ((هفت تیر به کمر ))، پدرش ( جورج بوش ) باوجود داشتن تجربه ی کاری در دستگاه حساس و پر صلاحیت استخباراتی ایالات متحده ( سی . آی . ای ) چهار سال تمام با ماجرا جویی های (( کاو بایانه )) منجمله یورش ظالمانه بر عراق که ویرانی ها و کشتار های زیادی را بار آورد ، بر ایالات متحده چه که بر دنیا حکم راند . جورج بوش ، برای بدست آوردن بهانه ی یورش بر عراق از ((چال )) پرنیرنگ مبنی بر اینکه (( دزد را گفت دزدی کن و صاحب خانه را گفت بیدار باش )) استفاده نمود . یعنی نماینده ی رسمی و با صلاحیت ایالات متحده ( سفیر کبیر آن کشور در بغداد ) ، نه تنها که به عراق جهت یورش بر کویت چراغ سبز نشان داد بلکه برویت اسناد ، آن کشور را تحریک و ترغیب نمود تا آن طعمه ی گلو گیر را بلع نماید ، و پس از آن در حالیکه طعمه ی مذکور در گلوی صدام حسین زمامدار احساساتی و ساده لوح عراق بند مانده

بود ، اردوی تا دندان مسلح قدرتمندترین کشور دنیا زیر فرماندهی ((شوارتسکف)) یکی از جنرال های چهار ستاره ی این یگانه ابر قدرت ، از آب و خشکه و هوا نه تنها که باران بم ، موشک ، گلوله های توپ و سرب مذاب را شروع نمود ، بلکه تمام سلاح های نو و آزمایش نشده را بالای مردم بیچاره ی عراق ، آزمایش و استعمال نمود .

پس از وپسرش با پیشوند دبلیو (( W )) به این بهانه که عراق دارای جنگ افزار اتمیست ، کار ظالمانه ، ماجراجویانه و عاقبت نه سنجانه ی پدر را تکرار نمود .

حالا دیگر به همه گان هویدا شده است که بهانه ی دبلیو بوش برای یورش بر عراق بخاطر داشتن جنگ افزار هسته یی ، نه تنها که درست نبود بلکه این کنش رهبر کاخ سفید از آغاز هزاره ی دوم و سده ی بیست و یکم ، جهان را در یک بحرانیکه روز تا روز ژرف تر و خطرناکتر میشود ، غوطه ور ساخته است .

ولی پس از اشغال عراق که طی آن خون هزاران انسان ریخته شد و شهر های زیبا و آباد عراق به تلی از خاکستر تبدیل گردید ، کدام نشانه ی از جنگ افزار هسته یی پیدا نشد . خوشنما تر اینکه دبلیو بوش تا آخر دوره ی حکمرواییش ، ناشیانه اصرار داشت که یورش بر عراق یک کنش حیاتی و واقعبینانه است زیرا صدام حسین صلح و امنیت منطقه و جهان را تهدید مینمود . در درازنای دوسالیکه نامبرده کاخ سفید را ترک گفته است اسناد و شواهد فراوان خط رد بر همه باور های نادرست بوش کشیده است .

آقای بوش که در درازنای ایندو سال مصروف (( تیل کشی و تیل

فروشی )) بود واز رسانه ها دوری میجست اینک سه شنبه ی گذشته نهم نوامبرسال ۲۰۱۰ ( درست نه سال پس از روزیکه ایالات متحده به بهانه ی تسلیم نکردن اسامه بن لادن ، بر افغانستان یورش برد (( نهم نوامبر ۲۰۰۱ ترسای )) و بجای امارت نامنهاد طالبان ، دولت جهادی ، مافیایی که اشخاص جاه طلب و پول دوست غرب زده را در خدمت دارد بر افغانها تحمیل نمود ) . گفتوگوی ویژه ای با تلویزیون ان ، بی ، سی داشت ، که در پهلوی گپ های دیگر نوشتن و پخش کتاب خود را که ((نقاط تصمیم ))عنوان دارد ، به اطلاع همه رسانید .

نخست از همه باید گفت که چنانچه در درازنای هشت سال حکمروایی دیده شد آقای بوش نه لیاقت و نه حوصله ی نوشتن را دارد ، پس شاید قلم بدستی را استخدام و یاد داشت های خود را به دسترسش گذاشته باشد که نامبرده کتاب (( نقاط تصمیم )) را بنام آقای بوش به چاپ رسانیده باشد .

بهر صورت اینک کتابی بنام نقاط تصمیم به قلم؟! آقای بوش انتشار یافته است . من تا بحال متن کامل این کتاب را به دسترس ندارم تا آنرا نقد کنم ولی از لابلای تبصره های ژورنالیستان و گفتو گو ی آقای بوش با تلویزیون ان ، بی ، سی نکات چندی قابل گفتن است .

نامبرده از همان آغاز به چرند گویی پرداخت چنانچه به پاسخ اولین پرسش که چرا در درازنای ایندو سال در میان مردم دیده نشده است گفت ؟ : (( من نمیخواستم به لجنزار باز گردم )) .

### **گفته های کسی را که مردم را لجنزار بنامد بجز چرند چه میتوان گفت ؟**

به پاسخ این پرسش که آیا از یورش بر عراق نادم نیست ، گفت : شما میدانید که پس از یورش بر عراق و پیدا نشدن جنگ افزار هسته یی نسبت به همه کس من خفه بودم ولی هر گز ازین کار خود معذرت نمیخواهم زیرا جهان ، پس از سقوط صدام حسین امن تر است .!؟

در درازنای جنگ عراق اردوی ایالات متحده علاوه از دیگر جنایات از متهمین با یک نوع شکنجه که ((واتر بورنگ)) نام دارد وان طوری است که چشم و روی متهم را میبندند و بر سر و رویش آب میریزند که متهم فکر میکند که در آب غرق میشود و تقلا میکند تا خود را نجات دهد ، اقرار میگرفت . جورج بوش گفت که هدایت این کار را خودم داده ام و از نتایج آن که جانین بسیاری در نتیجه ی آن شناسایی شدند ، خیلی خوشنود هم هستم .

در فرجام او گفت که هواخواه پروپا قرص بازار آزاد هستم و خواهم بود ، من پیرامون هر کاریکه کرده ام و میکنم خیلی سنجش؟! میکنم . این کتابیکه نوشته ام شاهد گویای آنست؟! پیرامون کنش های من تاریخ قضاوت خواهد کرد ، سوگمندانه که من در آنوقت زنده نخواهم بود .

اگر من بجای پرسشگر تلویزیون ان ، بی ، سی ، میبودم به آقای بوش میگفتم که کاش زنده باشی و ببینی که تاریخ نیز کنش هایت را نفرین کرده و بر آنها تف خواهد انداخت . چنانچه این کار از همین حالا آغاز گردیده است .